





دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

گروه علوم تربیتی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش تاریخ و فلسفه  
آموزش و پرورش

**تبیین تربیت اجتماعی از منظر علامه طباطبایی**

استاد راهنما:

دکتر رضاعلی نوروزی

استاد مشاور:

دکتر محمد نجفی

پژوهشگر:

منیره عابدی

شهریورماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقق موضوع این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه اصفهان می‌باشد.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

گروه علوم تربیتی

## پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم تربیتی گرایش تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش تحت عنوان

### تبیین تربیت اجتماعی از منظر علامه طباطبائی

در تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۱۲ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه‌ی عالی به تصویب نهایی رسید:

۱- استاد راهنمای پایان‌نامه دکتر رضاعلی نوروزی با مرتبه‌ی علمی استادیار. امضا:

۲- استاد مشاور پایان‌نامه دکتر محمد نجفی با مرتبه‌ی علمی استادیار. امضا:

۳- استاد داور داخل گروه دکتر حسنعلی نصرآبادی با مرتبه‌ی علمی دانشیار. امضا:

۴- استاد داور خارج گروه دکتر علی ربانی با مرتبه‌ی علمی استادیار. امضا:

امضای مدیر گروه

با قدردانی از

اساتید موقر جناب آقای دکتر نوروزی که همواره با راهنمایی‌های بی‌دریغشان یاریم

کردند

و جناب آقای دکتر نبفی که از مشاوره با ایشان بهره گرفتم

و با سپاس بی‌انتها از

مادرم، که بودنش محکم‌ترین تکیه‌گاه زندگانی من است؛

پدرم که هستی‌ام را مدیون شکوه ایثارش هستم

9

مهربانی تمام دستانی که پتر یاریشان را بر سر نیازم گشودند..

تقدیم به

دل دریایی مادرم که در زلال آن مفهوم زیستن را آموختم  
و مهربانی پدرم که دستان پینه بسته اش بهترین گواه رنج هایش برای آسوده زیستنم است

## چکیده

هدف این پژوهش بررسی تربیت اجتماعی از منظر علامه طباطبایی بود. بدین منظور، اندیشه‌های اجتماعی علامه مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس آن دلالت‌های مربوط به تربیت اجتماعی استنباط شد. این پژوهش که از جمله طرح‌های تحقیق کیفی به شمار می‌رود، با استفاده از روش اسنادی - تحلیلی شکل گرفت. در حیطه‌ی اندیشه‌های اجتماعی، جامعه و مسائل آن (از جمله کیفیت تشکیل اجتماعات بشری، بروز اختلاف در جامعه، قانون بشری و الهی به عنوان راه‌حل این اختلاف و مسائل مربوط به هر یک از این قوانین) مطرح شد. مباحث تربیتی که بر مبنای این اندیشه‌ها تدوین گردید به صورت یک چهارچوب پیشنهادی در قالب اهداف، اصول و روش‌ها مورد بحث قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش در بخش اهداف نشان داد که هدف غایی تربیت اجتماعی دستیابی به سعادت و قرب الهی است. اهداف واسطه‌ای در راستای این هدف غایی مورد بررسی قرار گرفت. در میان این اهداف ایجاد انگیزش درونی زیربنایی‌ترین هدف بود و بین هدف ایجاد هم‌بستگی جهانی و سایر اهداف مرحله‌ای رابطه‌ای متقابل به چشم می‌خورد. اصول تربیت اجتماعی نیز بر اساس مبانی اجتماعی فوق تدوین گردید. تعاون، برابری، تعقل، تحول درونی، جهان‌شمولی و... برخی از این اصول بودند. به منظور تحقق هر یک از این اصول روش‌های آموزشی و پرورشی تدوین گردید. روش‌هایی چون یادگیری مشارکتی، علم‌آموزی، آموزش انفرادی و... از جمله روش‌های آموزشی بود. در حیطه‌ی پرورشی نیز روش‌های فردی، همچون پرورش اخلاقی، تشویق و تنبیه، تزکیه و... در کنار روش‌های اجتماعی شامل اکرام والدین، آماده‌سازی، امر به معروف و نهی از منکر و... بررسی شد.

**کلیدواژه‌ها:** علامه طباطبایی، جامعه، شأن اجتماعی انسان، اهداف تربیت اجتماعی، اصول تربیت اجتماعی، روش‌های تربیت اجتماعی

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه	۱
۲-۱- شرح و بیان مسأله	۲
۳-۱- هدف پژوهش	۴
۱-۳-۱- هدف کلی	۴
۲-۳-۱- اهداف جزئی	۴
۴-۱- سوال‌های تحقیق	۵
۵-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق	۵
۶-۱- روش تحقیق	۹
۱-۶-۱- روش گردآوری داده‌ها	۱۱
۷-۱- تعریف مفاهیم	۱۲
۱-۷-۱- اجتماع (جامعه)	۱۲
۲-۷-۱- استخدام‌گری	۱۲
۳-۷-۱- قانون الهی (دینی) و قانون بشری	۱۲
۴-۷-۱- فطرت و غریزه	۱۳
۵-۷-۱- شأن اجتماعی انسان	۱۳
۷-۶-۱- تربیت اجتماعی	۱۳
۷-۷-۱- کنترل درونی و کنترل بیرونی	۱۳

### فصل دوم: پیشینه و مباحث نظری

۱-۲- مقدمه	۱۵
۲-۲- نگاهی بر زندگی علامه طباطبایی	۱۶
۳-۲- مبانی نظری تربیت اجتماعی	۱۸
۱-۳-۲- مبانی تربیت اجتماعی از منظر اندیشمندان مسلمان	۱۸
۱-۱-۳-۲- فارابی	۱۸
۲-۱-۳-۲- اخوان‌الرضا	۲۰
۳-۱-۳-۲- مسکویه	۲۲



عنوان	صفحه
۲-۳-۱-۴- بیرونی .....	۲۴
۲-۳-۱-۵- ابن سینا.....	۲۵
۲-۳-۱-۶- خواجه نصیرالدین طوسی .....	۲۶
۲-۳-۱-۷- ابن خلدون .....	۲۹
۲-۳-۱-۸- فیض کاشانی .....	۳۱
۲-۳-۲- مبانی تربیت اجتماعی از منظر اندیشمندان غرب.....	۳۳
۲-۳-۱-۱- رویکرد اصالت فرد .....	۳۳
۲-۳-۱-۲-۱- رویکرد فرد پیش اجتماعی .....	۳۳
۲-۳-۱-۲-۲- رویکرد ارتباط بین فردی .....	۳۶
۲-۳-۱-۳-۲- تربیت اجتماعی در رویکرد اصالت فرد .....	۳۷
۲-۳-۲-۲- رویکرد اصالت جامعه .....	۳۹
۲-۳-۲-۱-۲-۱- تربیت اجتماعی در رویکرد اصالت جامعه .....	۴۰
۲-۳-۲-۳-۲- رویکرد تلفیقی .....	۴۱
۲-۳-۲-۳-۱-۳-۲- تربیت اجتماعی در رویکرد تلفیقی .....	۴۳
۲-۴-۲- پیشینه‌ی موضوع تحقیق .....	۴۴
۲-۵-۲- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری .....	۴۸
<b>فصل سوم: اندیشه‌های اجتماعی علامه</b>	
۳-۱-۱- مقدمه .....	۵۱
۳-۲-۲- جامعه و مسائل آن .....	۵۲
۳-۲-۱-۲- کیفیت پیدایش اجتماعات بشری .....	۵۲
۳-۲-۱-۱-۱- جامعه و اعتباریات .....	۵۳
۳-۲-۱-۲-۱-۲- جامعه و خانواده .....	۵۷
۳-۲-۲-۲- اختلاف؛ ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در جامعه .....	۵۹
۳-۲-۳-۳- قانون؛ راه‌حل اختلاف .....	۶۱
۳-۲-۴- قانون بشری و آثار آن در جامعه .....	۶۲
۳-۲-۵- قانون الهی و آثار آن در جامعه .....	۷۰
۳-۲-۵-۱- ضرورت وجود قانون الهی .....	۷۰
۳-۲-۵-۲- مبانی قانون الهی .....	۷۳

۷۵	۳-۲-۵-۱- عقلا نیت و واقع بینی
۷۶	۳-۲-۵-۲- سعادت خواهی و کمال طلبی
۷۷	۳-۲-۵-۳- آزادی خواهی
۷۸	۳-۲-۵-۴- خود خواهی و برتری طلبی
۷۹	۳-۲-۵-۳- تدابیر قانون الهی
۷۹	۳-۲-۵-۱- توحید
۸۰	۳-۲-۵-۲- معاد
۸۱	۳-۲-۵-۳- اخلاق توحیدی
۸۲	۳-۲-۵-۴- نتایج اجرای قانون الهی
۸۲	۳-۲-۵-۱- تّوام شدن کنترل بیرونی با کنترل درونی
۸۳	۳-۲-۴-۲- اصلاح جامعه ی بشری
۸۴	۳-۲-۴-۳- نیل به سعادت و کمال حقیقی
۸۵	۳-۳- شأن اجتماعی انسان
۹۱	۳-۴- آینده ی جامعه ی بشری
<b>فصل چهارم: دلالت های تربیتی</b>	
۹۴	۴-۱- مقدمه
۹۵	۴-۲- مفهوم شناسی تربیت اجتماعی
۹۶	۴-۳- اهداف تربیت اجتماعی
۹۶	۴-۳-۱- هدف غایی
۹۸	۴-۳-۲- اهداف مرحله ای
۹۸	۴-۳-۱- التزام درونی و آگاهانه به قانون
۹۹	۴-۳-۲- پرورش روحیه ی تعاون و همکاری
۱۰۱	۴-۳-۳- تقویت روابط خانوادگی
۱۰۲	۴-۳-۲- پرورش روحیه ی برابری، برادری و محبت در جامعه
۱۰۲	۴-۳-۵- احترام به شخصیت و حقوق دیگران
۱۰۳	۴-۳-۶- از خودگذشتگی و ایثار به نفع اجتماع
۱۰۴	۴-۳-۷- حفظ فردیت در عین تعهد در برابر اجتماع
۱۰۵	۴-۳-۸- مقاومت در برابر خرافات و تبلیغات سوء

عنوان	صفحه
۴-۳-۲-۹- تحقیق بخشی به عدالت و پاسداری از آن.....	۱۰۵
۴-۳-۲-۱۰- زمینه سازی صلح و همبستگی جهانی.....	۱۰۶
۴-۴- میان، اصول و روش های تربیت اجتماعی.....	۱۰۸
مبنای اول: استخدام گری.....	۱۰۸
اصل ۱: تعاون.....	۱۰۸
روش تربیتی: یادگیری مشارکتی.....	۱۰۹
اصل ۲: تعهد.....	۱۱۰
روش تربیتی: تشویق و تنبیه.....	۱۱۱
مبنای دوم: اجتناب ناپذیری اختلاف.....	۱۱۲
اصل ۳: غلبه بر خودمحوری.....	۱۱۲
روش تربیتی: ایجاد مودت.....	۱۱۳
اصل ۴: برابری.....	۱۱۳
روش های تربیتی.....	۱۱۴
(۱) روش اصلاح نگرش و عمل.....	۱۱۴
(۲) روش انفاق.....	۱۱۵
مبنای سوم: اهمیت خانواده.....	۱۱۶
اصل ۵: اصلاح مینا.....	۱۱۶
روش های تربیتی.....	۱۱۷
(۱) روش اکرام والدین.....	۱۱۷
(۲) روش صله ی ارحام.....	۱۱۷
مبنای چهارم: سعادت خواهی.....	۱۱۸
اصل ۶: تعقل.....	۱۱۹
روش های تربیتی.....	۱۲۰
(۱) روش علم آموزی.....	۱۲۰
(۲) روش تطهیر و تزکیه.....	۱۲۱
اصل ۷: اعتدال.....	۱۲۲
روش های تربیتی.....	۱۲۲
(۱) روش پرورش روحیه ی توکل.....	۱۲۳

عنوان	صفحه
۲) روش میانه‌روی در قوای انسانی.....	۱۲۴
مبنای پنجم: اراده و اختیار.....	۱۲۵
اصل ۸: تحول درونی.....	۱۲۵
روش‌های تربیتی.....	۱۲۵
۱) روش غنی‌سازی معرفتی.....	۱۲۶
۲) روش دعوت به عمل.....	۱۲۷
۳) روش مراقبت و خودسازی.....	۱۲۷
۴) روش پرورش اخلاقی.....	۱۲۸
مبنای ششم: شأن اجتماعی انسان.....	۱۲۹
اصل ۹: اصلاح شرایط.....	۱۳۰
روش تربیتی: امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۳۱
اصل ۱۰: مشارکت.....	۱۳۲
روش‌های تربیتی.....	۱۳۳
۱) روش آموزش انفرادی.....	۱۳۳
۲) روش تکریم شخصیت.....	۱۳۳
مبنای هفتم: قطعیت تحقق جامعه‌ی مهدوی.....	۱۳۴
اصل ۱۱: آینده‌نگری.....	۱۳۴
روش تربیتی: روش آماده‌سازی.....	۱۳۵
اصل ۱۲: جهان‌شمولی.....	۱۳۵
روش تربیتی: ایجاد تجمعات فراملی.....	۱۳۶
<b>فصل پنجم: نتیجه‌گیری</b>	
۱-۵- مقدمه.....	۱۳۹
۲-۵- بررسی سؤال‌ها و نتیجه‌گیری.....	۱۴۰
۱-۲-۵- یافته‌های پژوهش در رابطه با سؤال اول.....	۱۴۲
۲-۲-۵- یافته‌های پژوهش در رابطه با سؤال دوم.....	۱۴۴
۳-۵- پیشنهادها.....	۱۴۸
۱-۳-۵- برای کارگزاران تربیتی.....	۱۴۸
۲-۳-۵- برای پژوهشگران.....	۱۴۹

١٥٠ ..... منابع و مأخذ

## فهرست شکل‌ها

عنوان	صفحه
شکل ۴-۱- روش میانه‌روی در قوای انسانی.....	۱۲۴
شکل ۴-۲- ارتباط مبانی، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی.....	۱۳۸
شکل ۵-۱- اندیشه‌های اجتماعی علامه.....	۱۴۰
شکل ۵-۲- مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی و ارتباط آن‌ها.....	۱۴۱
شکل ۵-۳- اهداف تربیت اجتماعی و ارتباط آن‌ها.....	۱۴۵
شکل ۵-۴- روش‌های تربیت اجتماعی.....	۱۴۷

## فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۱۴۶	جدول ۵-۱- اصول تربیت اجتماعی و ارتباط آن با مبانی

## فصل اول

### کلیات پژوهش

#### ۱-۱- مقدمه

انسان، به عنوان موضوع تربیت، ابعاد گوناگونی دارد و تربیت شایسته باید به رشد، پرورش و تعدیل همه‌ی این ابعاد توجه داشته باشد. یکی از این ابعاد، بُعد اجتماعی است که متضمن پیوند متقابل فرد و جامعه می‌باشد. به این معنا که انسان‌ها در کنار تمایلات قوی و بی‌شمار فردی، در برابر یکدیگر و نیز در برابر جامعه، دارای حقوق و وظایفی هستند که پایبندی به آن، لازمه‌ی زندگی سعادت‌مندانه‌ی ایشان است. لذا برقرار ساختن تعادل بین تمایلات فردی و اجتماعی امری ضروری است. این تعادل باید به گونه‌ای باشد که هر یک از ابعاد فوق، بدون ایجاد مزاحمت برای دیگری به نهایت رشد و شکوفایی خویش برسند و حتی فراتر از آن، به چنان تفاهمی دست یابند که به پیشرفت و بالندگی یکدیگر یاری برسانند. این امر تنها در سایه‌ی تربیت اجتماعی همه‌جانبه و واقع‌بینانه به دست می‌آید. با این وجود، در این زمینه نظریات بی‌شماری وجود دارد که با کم اهمیت جلوه دادن بعد فردی یا اجتماعی انسان، تربیتی تک‌بعدی و غیرواقع‌بینانه را پیشنهاد می‌کنند.

پژوهش حاضر، به منظور رفع این نقیصه، در صدد است با مراجعه به منبع ناب اسلام، که حاوی واقع‌بینانه‌ترین راه‌حل‌ها برای مسائل بشری است، به تدوین چهارچوبی برای تربیت اجتماعی بپردازد. در این راستا، از آثار اندیشمند بزرگ اسلامی، علامه طباطبایی، که دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از جامع‌ترین و عمیق‌ترین نظریات اجتماعی اسلام است، بهره گرفته می‌شود.



در این فصل کلیاتی شامل شرح و بیان مسأله، اهداف و سؤالات، روش و ابزار انجام تحقیق، شیوه‌های گردآوری اطلاعات و تعریف کلمات کلیدی بیان خواهد شد.

## ۱-۲- شرح و بیان مسأله

انسان به عنوان موجودی اجتماعی، برای داشتن یک زندگی سعادتمندانه، باید مهارت‌های اجتماعی لازم را بیاموزد و به شایستگی از آن‌ها بهره بگیرد؛ به طوری که در زندگی اجتماعی خود، نه از دیگران سوءاستفاده کند و نه به آن‌ها اجازه دهد که او را مورد استفاده‌ی ابزاری قرار دهند. این امر، در سایه‌ی تربیت اجتماعی امکان‌پذیر است.

کیفیت تربیت اجتماعی در هر جامعه، از یک سو به فلسفه‌ی اجتماعی آن جامعه بستگی دارد. در این معنا، هر جامعه بر اساس فلسفه‌ی اجتماعی‌اش اهدافی را برمی‌گزیند و در سایه‌ی آن به تربیت اجتماعی می‌پردازد. چنان‌که امروزه بسیاری از جوامع مادی، هدف اصلی تشکیل جامعه را در بهره‌برداری اشتراکی از تنوعات مادی می‌دانند. لذا، روش‌ها و قوانین اجتماعی را با توجه به بعد مادی انسان و با هدف پیشگیری از بروز اختلاف در بهره‌برداری‌ها تدوین می‌نمایند. در این جوامع، وضع و اجرای قوانین، به تصمیم و اراده‌ی اکثریت افراد جامعه وابسته است؛ خواه این اراده در مسیر درست باشد، خواه نباشد (طباطبایی، ۱۳۸۷، ترجمه‌ی حجتی کرمانی: ۷۰-۷۵). در ضمن، این قوانین با ویژگی‌ها و احساسات فطری بشر بیگانه بوده تنها به کنترل بیرونی افراد نظر دارند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۹۶). لذا هر کجا کنترل خارجی وجود نداشته باشد، افراد در راه رسیدن به اهدافشان از هیچ عملی پروا نمی‌کنند.

به تبع این دیدگاه، تربیت اجتماعی نیز به اجتماعی کردن بیرونی و تحمیلی نظر دارد که در آن، دانش‌آموز تحت فشار الگوهای تحمیلی، به تبعیت مطلق از قواعد و مقررات بیرونی مجبور می‌شود (کریمی، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۲). اما تقویت اراده‌ی فردی و ایجاد التزام درونی فاقد اهمیت است.

از سوی دیگر، نحوه‌ی نگرش به شأن اجتماعی انسان نیز در کیفیت تربیت اجتماعی مؤثر است. در این رابطه، دو دیدگاه متضاد (فردگرایی و جامعه‌گرایی) وجود دارد.

فردگرایان، حقوق فردی را در کانون توجه قرار می‌دهند و اجتماعی بودن را تابعی از آن می‌دانند. لذا به *قرارداد اجتماعی* (توافق افراد برای تأمین هر چه بهتر و بیش‌تر نیازها و حقوق فردی) و *یادموکراسی و مشارکت* پای‌بندند (باقری، ۱۳۷۹: ۳۹۴-۳۸۷). در تربیت اجتماعی نیز به رشد آگاهی‌های مربوط به فرآیند دموکراتیک و مهارت‌های شناختی لازم برای مشارکت اهمیت می‌دهند (میلر، ۱۳۸۷: ۹-۱۰) و از طریق شبیه‌سازی موقعیت

مدرسه و جامعه، تلاش می‌کنند افراد را برای مشارکت در سرنوشت خود آماده سازند. لذا تنها تأکیدشان بر مسائل و مشکلات روزانه است و فراتر از آن، به چیزی نمی‌پردازند (احمدی‌فر، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

از سوی دیگر، جامعه‌گرایان، اجتماعی بودن را قرار داشتن در ساختار معین اجتماعی - تاریخی می‌دانند و معتقدند فرد، تنها در متن جامعه قابل تصور است (باقری، ۱۳۷۹: ۳۹۵). لذا در تربیت اجتماعی، به القای ارزش‌های پذیرفته‌شده‌ی جامعه (میلر، ۱۳۸۷: ۱۱۴) و شکل‌دهی به دانش‌آموزان در جهت منافع اجتماع می‌پردازند و به فردیت آن‌ها توجهی ندارند. در حالی که هدف تربیت، پرورش افراد دارای قدرت عمل و تفکر مستقل است که به جامعه به عنوان والاترین مسئله‌ی زندگی خود اهمیت می‌دهند (کریمی، ۱۳۸۱: ۷۴-۷۳).

در مقابل این دیدگاه‌های محدود و سطحی‌نگر، فلسفه‌ی اجتماعی و انسان‌شناسی اسلامی، نوع واقع‌بینانه‌ای از تربیت را به دنبال دارد که فاقد کاستی‌های فوق می‌باشد. لذا پرداختن به آن، امری ضروری به نظر می‌آید. علامه طباطبایی یکی از بهترین نظریه‌پردازان در این زمینه است که با دیدی عمیق و موشکافانه به بررسی مسائل مربوط به اجتماع و انسان اجتماعی، از دیدگاه اسلام، می‌پردازد.

در فلسفه‌ی اجتماعی مبتنی بر دیدگاه علامه، زندگی پس از مرگ، اصالت دارد و تنها فایده‌ی دنیا کسب معارف توحیدی است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ترجمه‌ی حجتی کرمانی: ۸۵). اعتقاد به توحید، به عنوان یک هدف، متضمن نوعی کنترل و انگیزش درونی است. این اعتقاد، جامعه را وامی‌دارد که در رفع اختلافات اجتماعی، به جای ایجاد تغییرات و اصلاحات مداوم در قوانین، به اصلاح احساسات درونی افراد روی آورد (طباطبایی، بی‌تا، ب: ۱۵۲).

از سوی دیگر، در دیدگاه علامه، شأن اجتماعی انسان نیز به نحو متمایزی تبیین می‌شود. به اعتقاد وی، انسان -ها، با وجود تعدد و تنوعشان، از نظر نوع یکی هستند؛ یعنی همه انسانند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۵۱) و در ویژگی‌ها و نیازهای انسانی هیچ تفاوتی با هم ندارند. لذا اگر در کنار یکدیگر قرار بگیرند از قدرت بیش‌تری برخوردار می‌شوند. به این ترتیب، اجتماع اهمیت زیادی دارد؛ اما اجتماعی که از فرد اعضایش تشکیل یافته است و بدون آن‌ها فاقد معنا و مفهوم می‌باشد.

با چنین دیدگاهی، از یک سو، فرد هیچ تراحمی بین منافع خود و دیگران نمی‌بیند تا مجبور باشد تن به قرارداد اجتماعی بسپارد؛ بلکه برخورداری خود و دیگران را یکی می‌داند. در نتیجه، با میل و علاقه‌ی درونی، به ارتباط و همکاری با هم‌نوعان و رفع نیازهای مشترک می‌پردازد و هرگز در خفا، به آن‌ها خیانت نمی‌کند. از سوی دیگر، انسان، مستقل از جامعه، دارای هویتی است که از منفعل بودنش در برابر جامعه جلوگیری می‌کند و فردیتش را حفظ می‌نماید؛ به نحوی که حتی می‌تواند بر شرایط جامعه تأثیر بگذارد یا خود را از تأثیرات مخرب

آن، محفوظ بدارد. پس در دیدگاه علامه، فرد هم از هویت فردی و هم از هویت اجتماعی برخوردار است و هیچ یک فدای دیگری نمی‌شود.

چنان‌که پیش از این گفته شد، تربیت اجتماعی در هر جامعه بر اساس رویکرد اجتماعی مسلط بر آن جامعه انجام می‌گیرد. لذا نقاط ضعف و قوت هر رویکرد، در تربیت اجتماعی مبتنی بر آن انعکاس می‌یابد. این امر، مراجعه به رویکردی جامع برای برنامه‌ریزی تربیت اجتماعی را ایجاب می‌کند. از این رو، در پژوهش حاضر، دیدگاه علامه طباطبایی (که جامعیت آن نسبت به سایر دیدگاه‌ها آشکار شد) به عنوان مبنایی برای تربیت اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تربیت اجتماعی‌ای که بر این اساس تدوین می‌گردد دارای دو ویژگی عمده است. اول آن که به فرد و جامعه و نیز به ویژگی‌های فردی و اجتماعی انسان توجهی یکسان دارد و طالب آن است که فرد و جامعه را در همه‌ی ابعادشان به کمال و سعادت برساند. ویژگی دوم این نوع تربیت، اهمیت دادن به درونی کردن مسئولیت‌های فردی و اجتماعی می‌باشد که بر اساس آن هر فرد، نیروی کنترلی در باطن خویش دارد که مانع از ارتکاب اعمال ناشایست می‌گردد. در این پژوهش نیز اهداف، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی بر اساس این دو ویژگی تدوین می‌گردد.

### ۱-۳- هدف پژوهش

هدف از انجام این پژوهش، بهره‌گیری از تألیفات علامه طباطبایی، به منظور بررسی و تبیین دیدگاه او در رابطه با اجتماع و استنباط اهداف، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی بر مبنای آن است.

#### ۱-۳-۱- هدف کلی

تبیین دیدگاه‌های اجتماعی علامه طباطبایی و استنباط دلالت‌های آن در تربیت اجتماعی

#### ۱-۳-۲- اهداف جزئی

الف) تبیین دیدگاه علامه طباطبایی پیرامون اجتماع:

- تبیین اهمیت، جایگاه و ضرورت تشکیل اجتماع از منظر علامه طباطبایی

- تبیین شأن و جایگاه اجتماعی انسان در اندیشه‌ی علامه طباطبایی

ب) استنباط دلالت‌هایی برای تربیت اجتماعی، با توجه به دیدگاه علامه پیرامون اجتماع:

- استنباط اهداف تربیت اجتماعی بر اساس اندیشه‌های علامه طباطبایی

- استنباط اصول تربیت اجتماعی بر مبنای دیدگاه علامه طباطبایی

- استنباط روش‌های تربیت اجتماعی از منظر علامه طباطبایی

#### ۱-۴- سوال‌های تحقیق

الف) آرای علامه طباطبایی پیرامون اجتماع چگونه تبیین می‌شود؟

- از منظر علامه طباطبایی اهمیت، جایگاه و ضرورت تشکیل اجتماع چگونه تبیین می‌شود؟

- با توجه به اندیشه‌های علامه طباطبایی، شأن و جایگاه اجتماعی انسان چگونه تبیین می‌شود؟

ب) با توجه به دیدگاه علامه پیرامون اجتماع چه دلالت‌هایی برای تربیت اجتماعی قابل استنباط است؟

- بر اساس اندیشه‌های علامه طباطبایی، چه اهدافی برای تربیت اجتماعی استنباط می‌شود؟

- بر مبنای دیدگاه علامه طباطبایی، چه اصولی برای تربیت اجتماعی استنباط می‌شود؟

- از دیدگاه علامه طباطبایی، چه روش‌هایی در تربیت اجتماعی استنباط می‌شود؟

#### ۱-۵- اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از وظایف عمده‌ی مدرسه، آماده ساختن افراد برای زندگی اجتماعی، از طریق رشد و توسعه‌ی مهارت‌ها و ویژگی‌های لازم است (شریعتمداری، ۱۳۷۲: ۶۵). این وظیفه از مجرای تربیت اجتماعی انجام می‌پذیرد. تربیت اجتماعی از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی آن را هم جزء اهداف تعلیم و تربیت و هم جزء اصول مهم آن (عسگریان، ۱۳۶۸: ۸۲) به حساب می‌آورند. از این رو، می‌توان تربیت اجتماعی را از مهم‌ترین ابعاد آموزش و پرورش دانست که بی‌توجهی به آن، برای جامعه و افرادش پیامدهای ناگواری دارد.

از سوی دیگر، هر جامعه، دارای نوعی فلسفه‌ی اجتماعی است که در تربیت اجتماعی افرادش، اهمیت دارد. فلسفه‌ی اجتماعی، «جنبه‌ی مشترک افکار و عقاید، ایده‌آل‌ها و آرزوها، آداب و سنن و میزان‌ها و مبانی اخلاقی مردم یک جامعه» است که وحدت معنوی آن جامعه را تضمین می‌نماید (شریعتمداری، ۱۳۷۲: ۷۳-۷۲). بنابراین، تبیین فلسفه‌ی اجتماعی هر جامعه بر برنامه‌ریزی برای تربیت اجتماعی، مقدم است. این تقدم، بیان‌گر آن است که کاستی‌ها و یک‌سونگری‌های احتمالی هر فلسفه‌ی اجتماعی، به‌وضوح، در تربیت اجتماعی حاصل از آن نمود پیدا می‌کند. لذا شایسته است به منظور پی‌ریزی مبنایی صحیح و جامع برای این امر مهم، به منبعی کامل و بی‌نقص مراجعه شود که همانا آموزه‌های وحی و قرآن است. این آموزه‌ها، به نحو چشم‌گیری در مباحث اجتماعی «تفسیر میزان» و سایر آثار علامه طباطبایی انعکاس یافته است و خوش‌بختانه، با فلسفه‌ی اجتماعی ایران کاملاً هم‌خوانی دارد.